



عدالت مهدوی در قرآن

گفت‌وگو با آیت الله معرفت

آنظر: بسم الله الرحمن الرحيم . در خدمت حضرت آیت الله معرفت هستیم . امیدواریم بتوانیم از بیانات گران قدر این دانشمند گرامی بهره ببریم.

با توجه به این که شما از معدود عالمانی هستید که در کنار فقه و اصول و درس های متداول حوزه ، عمر خویش را در تفسیر و علوم قرآنی گذرانده اید. بنابراین، خواهشمند است بفرمایید عدالت در قرآن چه مفهومی دارد؟ فرق آن با قسط چیست؟ ابعاد عدالت را نیز تبیین فرمایید .

استاد : بسم الله الرحمن الرحيم .

حتماً آقایان به عدالت اجتماعی نظر دارند. مقصود از عدالت اجتماعی ، ایجاد توازن در جامعه است. منظور از توازن هم همان تناسب است. تناسب به معنای این است که هر چیزی در جای خودش و در محدوده مناسب جای بگیرد. امیرالمؤمنین فرمود : « علیکم بتقوی الله و نظم أمرکم.» در این کلام «نظم» به همین معنا است؛ یعنی هر چیزی باید طبق معیارهای خاص خود ارزیابی شود . این تناسب باید در همه امور رعایت شود . ما مکرر این نکته را گفته ایم که اصلاً زیبایی همان نظم است . برخی گفته اند : «زیبایی را نمی توان تعریف کرد»، ولی به نظر ما تعریف زیبایی این است: «وجود تناسب میان اموری که در کنار هم قرار گرفته اند». صورتی زیبا است که ابرو و چشم و... آن متناسب باشد. اگر بینی کسی دراز باشد، آن صورت دیگر زیبا نخواهد بود.

انبیا همه آمده اند تا در جامعه توازن برقرار کنند. توازن هم به این معنا است که هر کس به حق خود برسد. هدف امام زمان هم همان هدف انبیا است؛ او تلاش می کند تا هر حق داری به حقش برسد.

یکی از معانی آزادی، بهره و نصیب بردن از حقوق مشروع است. اگر افزون بر حقوق خودش، حق دیگری را هم استفاده کرد، آزادی را زیر پا گذاشته است. معنای آزادی این است که در محدوده قانون حرکت شود. قانون هم به معنای مرزبندی است؛ یعنی مشخص شود که هر کس چه حقوقی دارد. یکی از این حقوق، حق تعلیم و تربیت است. اگر کسی بگوید: «فلان کس به خاطر این که از فلان نژاد است، پس حق ندارد آموزش ببیند»، آزادی او را سلب کرده است.

این که برخی آزادی را «رهایی از هر قیدی» معنا کرده اند، درست نیست.

در تاریخ طبری آمده است: وقتی مسلمانان به ایران لشکر کشیدند، فرمانده لشکر ایران از فرمانده لشکر اسلام پرسید: «برای چه آمده اید؟» او پاسخ داد: «ما برای اینکه سرزمینی را به سرزمینمان بیفزاییم، به ایران لشکر نکشیده ایم. ما برای گسترش عدالت آمده ایم.» از او می پرسند: «گسترش عدالت یعنی چه؟» پاسخ می دهد: «پادشاهان از شما آزادی را سلب

کرده‌اند و شما حق انتخاب ندارید. ما آمده‌ایم تا شما را آزاد کنیم و کاری کنیم که بتوانید حقوقتان را استیفا کنید».

می‌خواهم بگویم عدل و آزادی و زیبایی و... به گونه‌ای هم‌معنا و هم‌مفهومند.

آنظر: رابطه قسط و عدل چیست؟

استاد: قسط یک نوع خاصی از عدالت است؛ نه اینکه چیزی باشد در مقابل عدل. قسط هم به معنای این است که هر کس به سهم خودش برسد.

آنظر: در آن صورت، عامی است که بعد از خاص می‌آید.

استاد: بله، یک چیز خاصی نیست. امام زمان هم برای اجرای عدل و قسط می‌آید.

ابن عربی یک بیان خوبی دارد. می‌گوید از این سخن حضرت رسول که فرمود: «یماًلاً به الأرض عدلاً و قسطاً» معصومیت امام زمان به دست می‌آید.

آنظر: یعنی فقط معصوم می‌تواند مجری عدالت باشد؟

استاد: او می‌گوید ما از این سخن، عصمت حضرت را می‌فهمیم. وی می‌گوید عصمت پیامبر را با عقل اثبات می‌کنیم، ولی عصمت امام زمان را با نقل. دلیل او این است که غیر معصوم نمی‌تواند عدالت اینچنینی را برپا کند.

آنظر: آیا از اینکه مجری آن عدالت باید معصوم باشد، نمی‌توان فهمید که معنای آن عدالت، چیزی فراتر از نظم و توازن و... است؟ در قرآن آمده است: «ان الشکر لظلم عظیم». از این آیه می‌فهمیم، تنها توحید است که عدالت است.

استاد: من در ابتدا گفتم قاعدتاً منظور شما عدالت اجتماعی است و سپس عدالت را آن‌گونه معنا کردم. من نگفتم عدالت به طور مطلق این است. عدالت امام جماعت با عدالت قاضی و... تفاوت دارد. هر کدام معنای خود را دارند. عدالت در ولی فقیه معنایی فوق این دو عدالت دارد. عدالت مراتب دارد.

آنظر: آیا می‌شود عدالت حضرت را در یک زمینه برجسته کنیم؟ مثلاً بگوییم حضرت عدالت اعتقادی را گسترش می‌دهد؟

استاد: اساس هم همین جا است. این همه ظلم، برای این است که خدا فراموش شده است. شروع کار حضرت از همین جا است. رسول‌الله هم از اعتقاد مردم شروع کرد. به آنان گفت: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا».

آنظر: شما عدالت را به معنای تناسب و زیبایی و توازن و... دانستید. این واژه‌ها تفسیرهای مختلفی دارد. من تناسب را این‌گونه می‌دانم و دیگری طوری دیگر.

استاد: اینکه آزادی را معنا کردم برای جلوگیری از اینگونه مسائل بود. برای اجرای عدالت، به یک قانون جهانی نیاز است. حقوق بشر را که نوشتند برای پاسخ دادن به همین

نیاز بود. باید مشخص شود که چه چیزهایی حقوق طبیعی انسان است. وقتی اینها مشخص شد، می‌توان گفت دولتی که حاکم است، عادل است یا نه. اگر انسان‌ها در بهره‌گیری از حقوق خود با مانع و مشکلی برنخوردند و حقشان ضایع نشد، آن نظام عادلانه است؛ اما اگر در جامعه تبعیض بود، معلوم می‌شود که آن حکومت عادل نیست؛ زیرا، «کل شیء فی موضعه» تحقق نیافته است. از عبارت «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» می‌فهمیم تا پیش از ظهور حضرت، آزادی کامل و جهانی نیست؛ توازن کامل و جهانی نیست؛ زیبایی کامل و جهانی نیست.

آنظر: آیا در نظام عدل علوی، این اتفاق افتاد؟

استاد: حضرت تلاش خود را کرد؛ اما به طور کامل نتوانست آن را پیاده کند؛ چون نگذاشتند حضرت این کار بکند. مردم آن زمان رشد کافی برای اجرای چنین عدالتی نداشتند.

آنظر: چه تضمینی هست که امام زمان بتواند؟

استاد: یکی از حرف‌های اساسی که من درباره حضرت دارم، این است که آن حضرت آن‌قدر در ظهورش تأخیر می‌کند تا مردم آماده ظهور شوند. باید سطح فکر مردم به این حد برسد. اگر نرسد، حضرت هم ظهور نخواهد کرد.

الآن، این حاصل نشده است. شما ببینید، کسی آمده و به من آخوند چیزی گفته است. برخی می‌گویند: «او مشرک شده است و یجب ذبحه من الفقا!» این نشان می‌دهد که ما برای خودمان امتیازی را معتقد هستیم! تا وقتی این‌طور است، زمینه برای ظهور حضرت آماده نیست.

آنظر: آیا بشر می‌تواند آن قانون جامع جهانی را بنویسد؟

استاد: نه؛ نمی‌تواند. آن قانون جهانی را باید کسانی بنویسند که از همه تعلقات حزبی و گروهی و نژادی و ... رها باشند. بشر این‌گونه نیست. تعلقات او زیاد است. بنابراین شارع مقدس برای بشر قانون فرستاده است. دین آمده است تا مرز حقوق را مشخص کند تا در سایه آن، مردمان آسوده زندگی کنند.

آنظر: آیا حضرت، عدالت را در همه زمینه‌ها گسترش می‌دهد یا فقط در زمینه عدالت اجتماعی؟

استاد: وظیفه حضرت این است که عدالت را در زمین بگستراند؛ یعنی همه می‌توانند از حقوق خود استفاده کنند. حضرت این زمینه را فراهم می‌کند که کسی به کسی ظلم نکند، اما اینکه در جایی اصلاً ظلم نشود، معلوم نیست که وظیفه حضرت باشد. آری، اگر کسی شکایت بکند، حشش از ظالم گرفته می‌شود.

اینکه گفتم حضرت جلوی ظلم‌های فردی را نمی‌تواند بگیرد، برای این است که او کسی را نمی‌تواند مجبور کند. انسان هم موجودی است مختار. اگر بحث اجبار بود، با این همه پیامبر این کار ممکن بود.

انتظار: در روایت است: «حضرت ترازوی عدالت را می‌گذارد و لایظلم أحد أحداً».

استاد: این روایت، معنایش این است که مقتضی ظلم را بر می‌دارد. گناہانی که می‌شود، از رشوه‌خواری و فساد و قتل و دزدی و... به سبب این است که زمینه این کارها وجود دارد. چون حقوق کارمند به اندازه نیازش نیست، زمینه برای رشوه‌خواری فراهم است. حضرت کاری می‌کند که کارمند نیازش برطرف شود. پس زمینه رشوه‌خواری را از او گرفته است، ولی اگر زمینه گناه برداشته شد، نمی‌توانیم بگوییم دیگر اصلاً گناه نمی‌شود! در انگلستان، پس از استخدام یک کارمند بلافاصله به او خانه می‌دهند و پول آن را کم‌کم از حقوقش برمی‌دارند. حضرت امیر، سلام‌الله علیه، به مالک می‌گوید به کارمندانش پنهانی رسیدگی کند تا گرفتار نباشند.

انتظار: مثلاً زیاده‌خواهی‌ها سبب ظلم می‌شود.

استاد: بله.

انتظار: اینکه در روایات داریم عقل بشر کامل می‌شود، به گونه اعجاز است یا نه؟

استاد: به اعجاز نیست. اگر می‌خواست به اعجاز باشد، از روز اول این کار می‌شد.

انتظار: آیا اکنون حضرت برای زمینه‌سازی کاری انجام می‌دهد؟

استاد: بله، یکی از کارهای حضرت دعا کردن است. ایشان هم برای ظهور دعا می‌کند. به نظر من، الآن زمینه دارد کم‌کم آماده می‌شود. با اینکه این همه علیه اسلام دارند تبلیغ می‌کنند، ولی اسلام دومین دین رسمی در اروپا است! سبب رشد اسلام، انقلاب اسلامی است. بزرگ‌ترین کاری که امام - رضوان‌الله علیه - کرد، این بود که چهره حقیقی اسلام را به جهانیان نشان داد. چهره حقیقی اسلام، مردم خسته از همه مکاتب را به این سو آورد.

انتظار: در برخی از روایات است که وقتی حضرت تشریف می‌آورد، جوی خون راه می‌اندازد.

استاد: اینها خیالات همان کسانی است که اینها را نوشته‌اند. اینها درست نیست. حضرت وقتی می‌آید که زمینه آماده باشد. وقتی زمینه آماده بود، نیاز به خون‌ریزی‌های این‌چنینی نیست.

انقلاب اسلامی چرا پیروز شد؟ آیا برای پیروزی اش خون‌ریزی آنچنانی شد؟ آمار شهدایی را که برای پیروزی این انقلاب داده شد، با کشته‌گان دیگر انقلاب‌ها بسنجید! مردم

از ظلم آن رژیم سفاک به ستوه آمده بودند و دیدند امام حرف دل آنان را می‌زند و در ادعایش هم که نجات مردم بود، راست‌گوست؛ لذا تبعیت کردند و با کم‌ترین تلفات پیروز شدند.

مردم آن زمان هم چون به این درجه از تبعیت رسیده‌اند، با کم‌ترین تلفات به پیروزی می‌رسند.

حضرت را باید به عنوان «رحمت الهی» مطرح کرد. ایشان مانند پیامبر - صلی الله علیه و آله - است. او رحمة للعالمین بود؛ ایشان هم اینچنین می‌باشد.

آنظرار: از شما سپاس‌گزاریم.

استاد: موفق باشید.